

Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.3.5.9

Hinge Spaces, Another Look at the Gendered Behaviors of Space with the Iranian-Islamic Approach (Case Study: Urban Space around the Holy Shrines)

Hamid Pourhosein Rroshan^{1*}, Hamidreza Saremi² & Mohammad Reza Pourjafar³

1. Ph.D in Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Urban Planning Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

3. Professor, Urban Planning Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

* Corresponding author: Email: Hamid.pourhosein@Modares.ac.ir

Receive Date: 29 May 2019

Accept Date: 02 September 2019

ABSTRACT

Introduction: The suitability of the urban spaces depends on the ability of them to respond on the needs of their users. Despite the fact that women make up half the city's population, does not pay attention to the design and construction of urban spaces. It is necessary is to explain the intellectual definitions of women in relation to urban spaces so that can be extracted the factors that increase the quality of women's presence in these spaces. Urban spaces around the holy shrines because of its religious nature have created a good bed for the free and secure presence of women without gender-based attitudes.

Research aim: This research has tried to explain the qualities of special urban spaces (the space around holy shrines) from the Perceptual-Semantic System of Women so answer the reasons for the presence of women in different spaces.

Methodology: Since the purpose of this research is the semantic perception of women from urban spaces, qualitative methodology has been selected as the dominant methodology and ethnographic research method for conducting research operations and the basis theory method for analyzing data. The participants comprise forty-five women from Rasht's Sagharizan and Lahijan's Gaabune neighborhood. A targeted sampling method was used to select the participants. The data in this study were collected using open observation, participatory observation and interviewing. In this research, the field theory approach, which is one of the methods for analyzing qualitative data, is used to analyze the data.

Studied Areas: The geographical territory of this study is the space around holy shrines in Gilan

Results: Qualitative findings using the Grounded theory showed that the eight factors of the total observer, respect for space, hidden mental territory, fear of fault, hope for encouragement, educational dimension of space and privacy as essential powers are effective in increasing the presence of women

Conclusion: The obtained findings can be generalized in urban spaces in the following cases: Observer: In the components of observer women, lady's directors, and family presence and the ability to represent. Hidden Space Matter: Creating educational and promotional dimensions in a set to change the realm of space users will prepare women and men for space presence. Encourage good behaviors in space: Such a kind of perspective and management will provide a strong pivotal education, especially for lower age groups. Education axis space: Urban space is required to emphasize the proper behaviors of the space. Fear of mistake: Using management and control rules to deal with inappropriate behaviors and hidden cybercrime in space.

KEYWORDS: Women- Hinge spaces - Grounded Theory - Urban Space around Holy Shrines



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۷، شماره ۳ (پیاپی ۶۰)، پاییز ۱۴۰۱
شاپای چاپی ۰۵۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۰۵۹۵۸-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۶۱۳-۶۲۷

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.3.5.9

مقاله پژوهشی

فضاهای مفصل، نگاه‌ی دیگرگون به رفتارهای جنسیتی فضا با رویکرد ایرانی - اسلامی (نمونه موردی: فضای شهری پیرامون بقاع متبرکه)

حمید پورحسین روشن^{۱*}، حمیدرضا صارمی^۲ و محمد رضا پورجعفر^۳

۱. دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. استاد گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: Email: Hamid.pourhosein@Modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۸ خرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۱ شهریور ۱۳۹۸

چکیده

مقدمه: فضاهای شهری اطراف بقاع متبرکه به دلیل ماهیت دینی - آیینی خود بستر مناسبی جهت حضور امن و آزادانه بانوان فارغ از نگرش‌های جنسیتی ایجاد کرده است. آنچه که ضرورت دارد نشان دادن تعاریف ذهنی بانوان در ارتباط با فضاهای شهری است تا بتوان قدرت‌های موثر بر افزایش کیفیات حضورپذیری بانوان در این فضاها را استخراج نمود.

هدف: در این پژوهش سعی بر آن است که به تبیین و شناخت کیفیات فضاهای شهری پیرامونی بقاع متبرکه؛ از منظر نظام ادراکی - معنایی بانوان پرداخته شود تا در این راستا به چرایی و چگونگی حس حضور مطلوب بانوان در فضاهایی مختلف دست یافت.

روش‌شناسی تحقیق: روش‌شناسی پژوهش، کیفی است عملیات تحقیق با روش مردم‌نگاری صورت گرفته و داده‌های کیفی در این مطالعه با استفاده از روش‌های مشاهده مشارکتی و تکنیک مصاحبه عمیق گردآوری شدند. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه نظریه نهایی از روش "نظریه زمینه‌ای" استفاده شده است. بر اساس روش نمونه‌گیری کیفی - هدفمند و نیز معیار اشباع نظری، چهل و پنج نفر از بانوان ۲۰ تا ۴۰ سال محله ساغریسازان رشت (بقعه خواهر امام رضا (ع)) و گایته لاهیجان (بقعه چهارپادشاه) در این مطالعه شرکت کردند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی این پژوهش، فضای شهری اطراف بقعه خواهر امام رضا (ع) در شهر رشت و بقعه چهارپادشاه لاهیجان است **یافته‌ها:** یافته‌های کیفی مطالعه با بهره‌گیری از نظریه زمینه‌ای نشان داد که هشت مولفه‌ی ناظر کل، احترام به فضا، قلمرو ذهنی پنهان فضا، ترس از انجام خطا، امید به تشویق، بعد آموزش محور فضا و محرمیت بعنوان قدرتهای موثر برافزایش حضورپذیری زنان موثرند.

نتایج: مقوله هسته این بررسی نیز "بازتولید معانی ایمانی و آیینی در فضاهای مذهبی و تاثیر آن کیفیات حضورپذیری زنان در فضا" می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: بانوان، فضاهای مفصل، نظریه زمینه‌ای، فضای شهری اطراف بقاع متبرکه

مقدمه

مهمترین هدف یک فضای شهری درگیر شدن با فعالیت‌های عمومی و رفتارهای اجتماعی است. فضای شهری به مفهوم صحنه‌ای است که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن‌ها به وقوع می‌پیوندد (Bahreini, 2007:31). فضاهای مطلوب فضاهایی هستند که درگیر روابط انسانی و اجتماعی می‌باشند. از این رو به سادگی می‌توان توصیفی موجز و کوتاه از فرهنگ و رفتارهای اجتماعی یک جامعه را در برخوردهای آنان در فضای عمومی شناخت. عرصه‌های عمومی مهمترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند. فضاهای عمومی شهر مکان‌هایی هستند که افراد جدای از تفاوت‌های ملیتی، سنی، نژادی، موقعیت‌های اجتماعی و ... با هم ارتباط برقرار می‌کنند. عرصه‌ها و فضاهای عمومی، مکان‌هایی برای ایجاد روابط متقابل، تبادل و برخوردهای اجتماعی هستند. مکان‌هایی که افراد و گروه‌های مختلف با منافع و علایق متفاوت در آن حضور می‌یابند. چنین گوناگونی در حضور خالق لایه‌های تعاریف ادراکی فردی و اجتماعی خواهد بود (Sweet & Ortiz, 2014). فضای شهری با وجود عمومیت خود توان بازنمایی کیفیت ارزشمند اجتماعی را خواهد داشت. نقش اساسی این عرصه، ایجاد مکان‌هایی برای افزایش کنش‌های متقابل اجتماعی، ارتقا کیفیت زندگی ساکنان و مبارزه علیه محرومیت‌های اجتماعی است (Whitzman, 2014).

حضور زنان در فضاهای شهری به دلایلی چون تعاریف حمایتی و مادرانه در خانواده یک بار معنایی امن ذهنی را ایجاد می‌نماید. حضور امن زنان در فضاهای شهری اعتماد اجتماعی برای حضور گروه‌های آسیب پذیر چون کودکان، سالمندان و کم توانان را افزایش می‌دهد. معانی نهفته در مفاهیم زنانگی در خود معانی چون احساس، پرورش، اعتماد، راستی، حمایت و... را پنهان داشته است. معانی که یک جامعه نیاز دارد تا آن مفاهیم را بیشتر از چارچوب خانه ببیند. از اینرو حضور بانوان در فضا، حضور امن و آموزش محور کودکان را از سویی و حضور حمایت شونده از سالمندان و کم توانان را به فضاهای شهری وارد می‌کند (Wekerle, 2002:171).

در این میان فضاهای مفصلی چون فضاهای مذهبی جزء فضاهای شهری هستند که هدفمند و دلیل یک رفتار جمعی هستند و از این رو آزادی جنسیتی بیشتری را در خود دارا هستند. ماهیت کمتر جنسیتی شده‌ی این فضاهای شهری، هم به زنان و هم به مردان آزادی تحرک بیشتر و اجازه بروز طیف وسیع‌تری از رفتارها را می‌دهد اگرچه باید این نکته را در نظر گرفت که بازه استفاده زنان از چنین فضاهایی عام نخواهد بود. فضاهای مذهبی جزء فضاهای معماری و شهری هستند که در آن تعریفی برابر برای حضور مردان و زنان وجود داشته است. استفاده کنندگان فضا با وجود ایمان و باورهای خود می‌توانند در فضا حضور داشته باشند. وجود شرط ایمان برای حضور سبب شده تا فضاهای مذهبی در بسیاری از مراحل تاریخی و با وجود محدودیتهای موجود برای زنان، همیشه فضایی امن برای حضور جمعی و فردی زنانه باشد. از سویی دیگر وجود بار معنایی مکانهای مذهبی سبب تغییر رفتارهای استفاده کنندگان مرد در فضا شده است به ابعاد ارزشی موجود در چنین مکانهایی سبب خود کنترلی‌های رفتاری مردان شده است. مردان در چنین فضاهایی بسیاری از رفتارهایی را که در فضاهای دیگر شهر رخ می‌دهد، نکوهیده می‌دانند. رفتارهایی که در بسیاری موارد سبب ساز احساس ناامنی در فضا و کاهش حضور بانوان در فضا است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی در پی تحلیل مسائل شهرسازی کشور ایران و مشخصا بانوان بوده و سعی بر آن دارد تا به نظریه‌ای مناسب در زمینه مناسب سازی فضاهای شهری برای بانوان برسد و در این مسیر به تبیین و شناخت چرایی حضور بانوان در فضاهای شهری مذهبی به عنوان فضاهای مفصل و قدرتهای موثر بر کیفیت حضور آنها خواهد پرداخت تا بتواند در راستای تبیین این نظریه به نقد ساختارهای موجود در شهرسازی کشور در ارتباط با بانوان، جهت کارگشایی مشکلات و تقویت بسترهای فرهنگی مناسب موجود بپردازد.

مطالعات داخلی و خارجی متعددی در خصوص جنسیت و ادراک زنان از شهر و فضاهای شهری انجام شده است. با این وجود درخصوص موضوع تحت بررسی در این تحقیق تنها به چند مورد زیر اشاره می‌شود:

در تحقیقی با عنوان "جنسیت، فضای شهری و حق زندگی روزمره" که توسط بیبیجون^۱ انجام شده، محقق ضمن مرور منابع مرتبط با زنان، بحث حق به شهر^۲ و حق زندگی روزمره^۳ را از حقوق اساسی زنان می‌داند که باید توسط برنامه ریزان شهری مورد

1. Beebejaun
2. Right to the City
3. The Right to everyday life

توجه قرار گیرد. به زعم محقق با وجود اینکه برنامه ریزان در دهه های اخیر تمام توجه خود را به حق شهر معطوف کرده اند اما حقوق زنان بویژه تجارب روزانه آنان بصورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته و در طراحی فضاهایی شهری به آن توجه نشده است. در مقاله ای که با عنوان "به سوی فضاهای عمومی فراگیر: یادگیری از تجربیات روزمره زنان عرب مسلمان در شهر نیویورک" توسط جانسون و مایلز^۱ تهیه شد از طریق روش تحقیق کیفی و پدیدارشناسی به تجربه های حضور زنان در فضاهای شهری پرداخته شد؛ نتایج تحقیق نشان داد که علاوه بر عواملی چون دسترسی و تسهیلات، عامل حفظ حجاب و زبان مشترک و توجه به معیارهای مذهبی بانوان در میزان حضور پذیری زنان تاثیر گذار بود. رساله دکتری با عنوان "مدرن سازی فضاهای عمومی، هویت های جنسی؛ مدرنیته چندگانه؛ سیاست های فضایی در تهران" که توسط باقری در دانشگاه میسوری آمریکا در سال ۲۰۱۳ تهیه شد، در این رساله محقق با بهره گیری از روش تحقیق ترکیبی و استفاده از مطالعات قوم نگاری به بررسی ارتباط میان سبک های طراحی، جنسیتی شدن مرزهای فضایی و ماهیت احتمالی فضاهای عمومی می پردازد. براساس نتایج این تحقیق زنان در فضاهای مدرن احساس آزادی و راحتی بیشتری نسبت به فضاهای سنتی در ایران دارند. وایو و لایکوجیانی^۲ در مقاله ای با عنوان "زنان، محله ها و زندگی روزمره" که در مجله مطالعات شهری انتشار یافت، زندگی روزمره در محله های شهری را از دیدگاه زنان تشریح می کنند، هدف پژوهش، به لحاظ نظری اشاره به زندگی روزمره به عنوان یک مفهوم است این مقاله به محله به عنوان بستری جهت تعاملات اجتماعی بخصوص زنان نگاه می کند که بهتر است طراحی زنانه در این بستر صورت پذیرد. در مقاله ای با عنوان "حق به شهر جنسیتی: اشکال گوناگون تعلق به زندگی روزمره" که توسط فنستر^۳ در مجله مطالعات جنسیتی انتشار یافت؛ از نظر نویسنده مفهوم حق شهر لوفور^۴ نسبت به روابط قدرت میان دو جنس و تأثیری که این روابط بر احقاق حق زنان نسبت به شهر دارد، بی تفاوت است. او منشأ نادیده گرفته شدن حق زنان در فضای شهری را نبود توازن در روابط جنسیتی در قلمروی خصوصی خانه می داند که به قلمروی عمومی تسری یافته است. "شهر دوستدار زن شناسایی معیارهای شهر دوستدار زن از نظر زنان متعلق به پایگاه ها و تیپ های مختلف اجتماعی تهران" عنوان تحقیقی بود که توسط فاضلی انتشار یافته است. هدف این پژوهش شناسایی برخی از معیارهای شهر دوستدار زن از نظر زنان متعلق به پایگاه ها و تیپ های مختلف اجتماعی بود. فاضلی تحقیقی با عنوان "زنانه شدن فضای شهری در ایران امروز، با تکیه بر فضای کلان شهر تهران" ارایه داد. در این پژوهش به مناسبات زن و شهر از منظر زنانه شدن فضاهای شهری پرداخته شد چرا که از نظر محقق فضای امروز شهر تهران زنانه شده است و زنان با پیش روی آرام حضورشان را در شهر تثبیت می کنند. شفیی و علیخواه مقاله ای با عنوان "فضا و بازتولید قدرت؛ مطالعه ای درباره تفکیک جنسیتی در دانشگاه های تهران" طبق یافته های این تحقیق، اعمال تکنیک های انضباطی فضا در سطح دانشگاهها به خلق سوژه مطیعی که صرفا مصرف کننده فضا باشد منجر نشده، بلکه مصرف کننده ای از فضا شکل گرفته است که برای تحقق خواسته هایش در فضاهای عمومی تلاش و تقلا می کند. مطالعه ای با عنوان "عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری" توسط رودگر انتشار یافت. در این نوشتار مفاهیم و مبانی عدالت و جنسیت و ترکیب عدالت جنسیتی از منظر علامه طباطبایی و شهید مطهری مورد بررسی قرار گرفت.

مطالعه حاضر با اتخاذ روش شناسی کیفی، با ورود به بستر نظام معنایی بانوان جهت دستیابی به فهم آنها از چگونگی استفاده آنها از این فضاها به تبیین قدرتهای موثر بر حضورپذیری بانوان و فهم فرآیند بازاندیشانه و تبیین پذیر از عدالت در فضای شهری می پردازد، از این رو با مطالعات خارجی صورت گرفته در بستر فرهنگی غرب متفاوت بوده، در حین حال می تواند با توجه به ابعاد کمی، کیفی و معنایی ادراک بانوان و تبیین مولفه های قدرت در فضا برای مطالعات داخلی جنبه الگویی داشته باشد.

1. Johnson & Miles
2. Vaiou, D., & Lykogianni, R
3. Tovi Fenster
4. Henri Lefebvre

جدول ۱. مروری بر مطالعات خارجی و داخلی در خصوص جنسیت و ادراک زنان از شهر و فضاهای شهری

عنوان مقاله/پژوهش	دیدگاه ارائه شده	محقق
جنسیت، فضای شهری و حق زندگی روزمره	بحث حق به شهر و حق زندگی روزمره را از حقوق اساسی زنان می‌داند که باید توسط برنامه ریزان شهری مورد توجه قرار گیرد	Beebejaun, Yasminah, (2016)
به سوی فضاهای عمومی فراگیر: یادگیری از تجربیات روزمره زنان عرب مسلمان در شهر نیویورک	علاوه بر عواملی چون دسترسی و تسهیلات، عامل حفظ حجاب و زبان مشترک و توجه به معیارهای مذهبی بانوان در میزان حضور پذیری زنان تأثیر گذار بود	Johnson & Miles, (2014)
مدن سازی فضاهای عمومی، هویت های جنسی؛ مندرنیتته چندگانه؛ سیاست های فضایی در تهران	زنان در فضاهای مدن احساس آزادی و راحتی بیشتری نسبت به فضاهای سنتی در ایران دارند	Bagheri, Nazgol, (2013)
زنان، محله ها و زندگی روزمره	به محله به عنوان بستری جهت تعاملات اجتماعی بخصوص زنان نگاه می‌کند که بهتر است طراحی زنانه در این بستر صورت پذیرد	Vaiou, D, Lykogianni, R. (2006)
حق به شهر جنسیتی: اشکال گوناگون تعلق به زندگی روزمره	منشأ نادیده گرفته شدن حق زنان در فضای شهری را نبود توازن در روابط جنسیتی در قلمروی خصوصی خانه می‌داند که به قلمروی عمومی تسری یافته است	Fenster, Tovi (2005)
شهر دوستدار زن شناسایی معیارهای شهر دوستدار زن از نظر زنان متعلق به پایگاه ها و تیپ های مختلف اجتماعی تهران	از نظر زنان مصاحبه شونده با بهره مندی از هشت ویژگی، تهران؛ شهری دوستدار زن می‌شود: تهران امن‌ترین راحت‌ترین فعال‌ترین مشارکتی‌ترین فراغتی‌ترین عادلانه‌ترین زیبا و تهران دوستدار کودک	Fazeli (2014)
زنانه شدن فضای شهری در ایران امروز، با تکیه بر فضای کلان شهر تهران	از نظر محقق فضای امروز شهر تهران زنانه شده است و زنان با پیش روی آرام حضورشان را در شهر تثبیت می‌کنند	Fazeli (2015)
فضا و بازتولید قدرت؛ مطالعه ای درباره تفکیک جنسیتی در دانشگاه های تهران	اعمال تکنیک های انضباطی فضا در سطح دانشگاهها به خلق سوزنه مطیعی که صرفا مصرف کننده فضا باشد منجر نشده است	Shafiei & Alikhah (2014)
عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری	غایتمندی فعل الهی، حق و عدالت در نظام ارزشی اسلام در جریان «عدالت جنسیتی» معنا و مبنای خود را نشان می‌دهد و تشابه حقوق در این زمینه موضوعیت ندارد	Roodgar (2009)

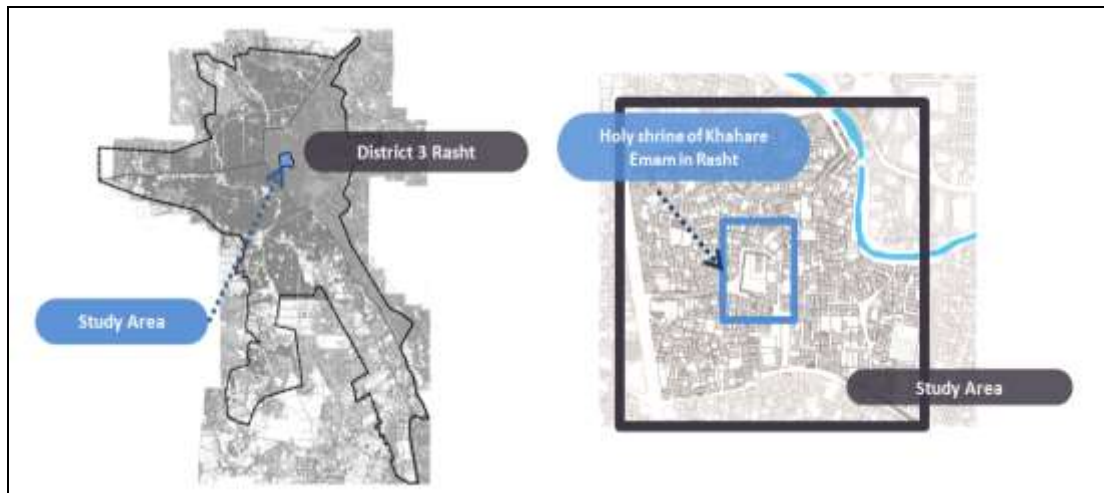
روش پژوهش

با توجه به اینکه هدف این تحقیق استخراج قدرتهای موثر بر حضورپذیری بانوان در فضاهای شهری اطراف بقاع متبرکه است، لذا روش‌شناسی کیفی به عنوان روش‌شناسی غالب و روش تحقیق مردم‌نگاری برای انجام عملیات تحقیق و روش نظریه زمینه‌ای جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها انتخاب شده است. مردم‌نگاری عبارت است از مطالعه مردم در یک محیط اجتماعی طبیعی به وسیله ابزارها و روش‌هایی که بتوان به معانی اجتماعی و فعالیت افراد در محیط‌های طبیعی دست پیدا کرد. در این روش تحقیق، محقق به طور مستقیم در محیط و میدان مورد مطالعه مشارکت می‌کند (Mohammadpour, 2013:445). مشارکت‌کنندگان این مطالعه را چهل و پنج نفر از بانوان محله ساغریسازان رشت و گابنه لاهیجان تشکیل داده‌اند. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در میان راهبردهای ده‌گانه‌ای که پاتن (Patton: 2002) مطرح کرده است، از راهبرد نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد که در این شیوه از هر یک از مصاحبه شونده‌گان پرسیده شد که مشارکت‌کننده بعدی که پیرامون مقوله یا مفهوم خاصی اطلاع دارد چه کسی است. در نهایت با استفاده از معیار اشباع نظری در مورد تعداد نمونه‌ها تصمیم‌گیری شد. بر اساس این معیار، زمانی که محقق به این نتیجه برسد که انجام بیشتر مصاحبه و مشاهده، اطلاعات بیشتری در اختیار وی نمی‌گذارد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، در این حالت محقق گردآوری اطلاعات را متوقف می‌کند. در پژوهش‌های مردم‌نگارانه، جهت ارائه نظریه زمینه‌ای از طیفی از روش‌ها جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات استفاده می‌شود که عبارتند از: مشاهده مشارکتی، مصاحبه‌های ساخت نیافته و باز و بررسی‌های اسنادی (Mohammadpour, 2013:343). در مطالعات کیفی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌طور هم‌زمان انجام می‌شود تا به پیدایش نظریه‌ی مستقر در داده‌ها کمک کنند (Glaser & Strauss, 1967). تکنیک عمده مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق است. مصاحبه کیفی عمیق با شیوه‌های نظریه زمینه‌ای، بسیار تناسب دارد. در مصاحبه عمیق، محقق کنترل بیشتری روی ساخت داده‌ها دارد. در واقع مصاحبه، یک گفتگوی جهت داده شده است. ماهیت روش نظریه‌ی زمینه‌ای چنین انعطاف‌پذیری و کنترل ابزار تحلیلی و داده‌ها را ایجاد می‌کند ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه‌ی زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه‌ی کدگذاری است: ۱. کدگذاری باز، ۲. کدگذاری محوری ۳. کدگذاری انتخابی (Corbin & Strauss, 2008). اولین مرحله، کدگذاری باز است و به فرآیند تحلیلی اطلاق می‌شود که طی آن، مفاهیم اولیه و سپس مقولات عمده مبتنی بر آنها، شناسایی شده، خصیصه‌ها و ابعادشان در داده‌ها کشف می‌شود. دومین مرحله، کدگذاری

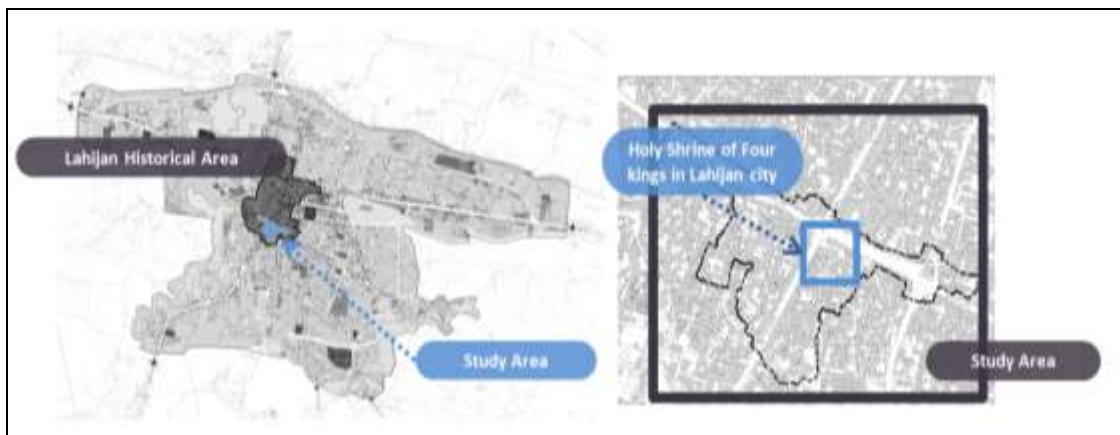
محوری است. در واقع فرآیند اتصال مقوله‌ها به یکدیگر بر اساس خواص آنها (زیر مقوله‌ها)، کدگذاری "محوری" نامیده می‌شود، زیرا کدگذاری در حول محور مقوله‌ای صورت می‌گیرد که مقوله‌ها را در سطح خصیصه‌ها و ابعاد به هم مرتبط می‌سازد (Corbin & srauss: 1998). سومین مرحله کدگذاری، کدگذاری انتخابی است. این نوع کدگذاری فرآیند یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در جهت خلق نظریه است. یکپارچگی مورد نظر در نتیجه تعامل تحلیل‌گر با داده بوجود می‌آید و یکی از دشوارترین مراحل کار است. محقق باید در داده‌ها غرق شود و به تعمق پردازد تا بتواند پیوند بین مقوله‌ها را یافته، آنها را پالایش کرده، باهم یکپارچه نماید و نهایتاً نظریه را استخراج کند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

محدوده‌های مورد مطالعه، فضای شهری اطراف بقعه خواهر امام رضا (ع) در شهر رشت و بقعه چهارپادشاه لاهیجان است. محدوده اطراف بقعه خواهر امام از لحاظ تقسیمات شهری، در محله ساغریسازان در ناحیه ۱ منطقه ۳ شهرداری رشت قرار دارد؛ حدود آن از طرف شمال به خیابان دکتر شریعتی، از سمت جنوب به خیابان بادی الله، از شرق به رودخانه زرچوب و از طرف غرب به خیابان استاد شهید مطهری محدود می‌گردد (شکل ۱). همچنین محدوده اطراف بقعه چهارپادشاه لاهیجان در بخش مرکزی شهر لاهیجان قرار دارد و حدود آن از طرف شمال به خیابان کاشف غربی، از طرف غرب به خیابان سردار جنگل و از جداره جنوبی به میدان وحدت لاهیجان منتهی می‌شود (شکل ۲).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی فضای شهری اطراف بقعه خواهر امام رضا در شهر رشت



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی فضای شهری اطراف بقعه چهارپادشاه در شهر لاهیجان

یافته‌ها و بحث

در ادامه تحقیق در بخش کیفی با تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته با بانوان و بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای و با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی در نهایت تعداد ۲۵ مقوله پایه و ۸ مقوله هسته و عمده و در نهایت یک مقوله هسته نهایی استخراج شد. یافته‌های این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب‌های مطرح شده در روش کیفی و نظریه زمینه‌ای بوده است.، چنانکه سوالات این پژوهش با استفاده از روش کیفی گردآوری داده‌ها پاسخ داده شده‌اند. این سوالات نگاهی بر چگونگی ادراک استفاده‌کنندگان بانو از فضای شهری پیرامون بقاع متبرکه (نمونه‌های موردی: خواهر امام رشت و چهارپادشاه لاهیجان) داشته و مؤلفه‌های مختلف ادراک زنان از این فضاهای شهری را مورد بررسی قرار داده است. حوزه‌های مختلف مورد بررسی شامل بررسی قدرتها و مؤلفه‌هایی بر حضور موثر بانوان در فضای شهری خاص، درک تفهم زنان از حضور در فضاهای مذهبی، چستی‌های کاهش یا افزایش استفاده بانوان از این فضاها، چگونگی‌های فضاهای جدید برای حضور بانوان بوده است. داده‌های متنی و مصاحبه‌های گردآوری شده از ۴۵ نفر از بانوان بین ۲۰ تا ۴۵ سال محله ساغریسازان رشت و محله گابنه لاهیجان به صورت سطر به سطر جهت استخراج مفاهیم اولیه کدگذاری باز شدند تا در نهایت مفاهیم به دست آمده برای هر سؤال در قالب یک سری مقولات پایه که در روند پژوهش اثر گذارتر بودند تجمیع و ارائه شوند. در مرحله کدگذاری محوری، مقولات محوری با یکدیگر در ارتباط قرار گرفته‌اند و مقولات هسته‌ای هر سؤال استخراج شده‌اند. سپس "مدل زمینه‌ای" براساس مقولات و مقوله هسته در قالب سه بعد شرایطی، تعاملی و پیامدی باز تبیین شده‌اند. در انتها "مقوله هسته" نهایی به دست آمده تحت عنوان "بازتولید معانی ایمانی و آیینی در فضاهای مذهبی در کیفیات حضورپذیری زنان در فضا تاثیر داشته است" شناخته شد. در جدول (۲) تعداد مفاهیم، مقولات و مقوله هسته به تفکیک هر یک از حوزه‌های مورد بررسی مشتق از سوالات پژوهش، مبنی بر ادراک زنان از فضای شهری پیرامون بقاع متبرکه آورده شده است. این مفاهیم و مقولات با برخی از مشارکت‌کنندگان در میان گذاشته تا کنترل شده و اعتبار این یافته‌ها به طریق شیوه کنترل اعضا مورد تأیید قرار گیرد.

جدول ۲. مفاهیم و مقولات استخراج شده از پرسشهای پژوهش

حوزه مورد بررسی	تعداد کل مفاهیم استخراج شده	تعداد مفاهیم پایه	تعداد مقولات پایه استخراج شده	مقولات هسته
قدرتها و مؤلفه‌هایی بر حضور موثر بانوان در فضای شهری خاص	۴۵	۸	۳	ناظر کل، ترس، تشویق
ادراک زنان از حضور در فضاهای مذهبی	۳۲	۷	۲	احترام فضا، اطمینان به فضا
انگیزه‌های کاهش یا افزایش استفاده بانوان از این فضاها	۳۰	۶	۳	قلمرو ذهنی برابر، محرمیت فضا
چگونگی‌های فضاهای جدید برای حضور بانوان	۴۰	۱۲	۲	آموزش، ناظر کل

بسط و توصیف اجمالی هریک از سطور یافته‌های موجود در جدول بالا که بر گرفته از سوالات موردی پژوهش از ۴۵ نفر از استفاده‌کنندگان فضا بوده، به صورت اجمالی به شرح زیر می‌باشد:

با تبیین نظریه بدست آمده در چارچوب مدل زمینه‌ای، شرایط موثر در افزایش کیفیات حضورپذیری بانوان در فضا در چگونگی جهت‌گیری‌های حرکتی و رفتاری بانوان در معانی چون "حضور ناظر کل"، "محرمیت فضا" و "قلمرو ذهنی برابر موجود در فضا" بیان شده است. بدین معنا که استفاده‌کنندگان خانم به دلیل وجود حضور ناظری همیشگی و موثر و متعاقباً وجود برابری فطری فضا، تعریفی ژرف از درک حضور خویش در فضا داشته‌اند. چه اینکه فضای مورد نظر با وجود معانی مذهبی و رفتاری مستتر در خود مکانی عمومی، امن و با گوناگونی استفاده را آفریده است. از سویی دیگر با وجود مفاهیم مستتری میان آزادی هدفمند در چنین فضاهایی، افزایش اطمینان و اختیار برای استفاده‌کننده فضا ایجاد شده است. چه اینکه تغییر رفتار مردانه فضا در چنین مکان‌هایی به دلیل بعد فرا انسانی آن سببی شده بر ایجاد محرمیت بیشتر و متعاقباً ایجاد سطوح متفاوتی از آزادی، احترام و امنیت در فضا، از سویی دیگر مفهوم سیال آموزش در تمامی ابعاد رفتاری و استفاده از فضا لحظه به لحظه بر عمق چگونگی رفتارهای موثر فضا افزوده است.

بررسی مفاهیم و مقولات پایه‌ای پژوهش

با توجه به مفاهیم مستخرج از مضامین سخنان استفاده کنندگان فضا، مقولات هسته بدست آمد. با تمام گزینشها و استنتاجهای بدست آمده می‌بایست مقوله "بازتولید معانی ایمانی و آیینی در فضاهای مذهبی در کیفیات حضورپذیری زنان در فضا" تأثیر داشته است. "را مقوله هسته نهایی برشمرد. و دغدغه پیش روی فضا را با درخواست به نگاهی به پشت سر پیگیری تحلیل و توصیف نمود. مفاهیم و مقولات موثر در مسیر پژوهش در جدول (۳) مطرح شده است.

جدول ۳. مقولات، مقولات هسته نهایی و نوعیات مقولات و متعاقبا کد بندی آنها

کد	نوع مقوله	مقولات هسته ای نهایی	مفاهیم پایه
A	شرایطی	ناظر کل	دیده شدن/وجود قدرت ناظر/قدرت پنهان فضا/هدف فضا
B	شرایطی	محرمیت فضا	فل خطا/رفتار پذیرفته شده فضا/پذیرش حریم افراد
C	شرایطی	قلمرو ذهنی برابر	وجود مفهوم برابری/تفاوت درونی و فردی/شرط ایمان
D	تعاملی	ترس	مفهوم عقاب / پاسخ به افعال نکوهیده
E	تعاملی	تشویق	مفهوم هبه/هدیه برای افعال پسندیده
F	پدیده	آموزش	تعیین شکل زندگی/خوب و بد/تکرار رفتار فضا/تاکید بر افعال
G	پیامدی	احترام فضا	حریم موجود/معانی فضا/ادراک فرا مکانی و زمانی
H	پیامدی	اطمینان به فضا	اعتماد به فضا/اعتماد به استفاده کنندگان/افزایش اعتماد توسط افراد

شرایط علی اثر گذار بر حضور بانوان

شرایط علی مفهوم ناظر کل در نگاه استفاده کنندگان خانم از مجموعه فضای شهری مورد نظر را میتوان در چهار مقوله فرعی دیده شدن، وجود قدرت ناظر، قدرت پنهان فضا، هدف فضا جستجو نمود (شکل ۱)

دیده شدن: حضور جمعی از سویی و وجود نظارتی که استفاده کنندگان بانو در حضور خویش در فضا احساس می کنند حضور در فضا را پررنگتر نموده است (A1-1) (A1-3). از سویی دیگر فضاهای موجود معرف رفتارهای جمعی با اهداف یکسانی هستند که تایید شده و ستایش شده اند (A1-4).

وجود قدرت ناظر: احساس وجود و نزدیکی معنوی حضور خدا در چنین مکانهایی تعریف شده است. نیرویی که فراتر از قدرتهای انسانی دست به یاری فرد خواهد زد (A2-1) (A2-5). اینکه فرد در چنین فضاهایی احساس بیشتری نسبت به مفهوم عالم محضر خداست را خواهد داشت احساس نزدیکی آن دانای کل و نظارت بر اعمال در چگونگی های رفتار فضا بسیار موثر و تعیین کننده بوده و هست. (A2-12).

قدرت پنهان فضا: تعاریف موجود در فضا نگاههای خاصی به نوعیات حضور در مکان را ایجاد نموده است. تثبیت قدرت مجموعه با شناس بودن مجموعه در رفتارهای جمعی معنوی در فضا تشدید شده و قدرت یافته است. (A3-3) (A3-5) (A3-12).



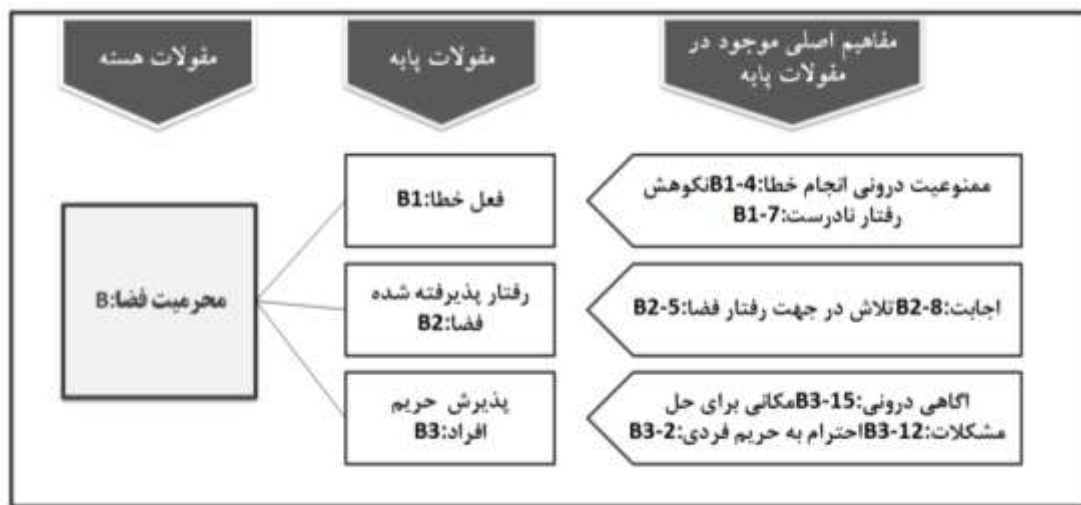
شکل ۳. ناظر کل

مقوله‌های اساسی که توانسته‌اند تعریف یک فضای عمومی زنانه را در چنین فضاهایی برای بانوان ایجاد نماید عواملی چون محرمیت فضا می‌باشد. چنین مفهومی با ایجاد احساسی جمعی و فردی فضایی شخصی سازی شده را ایجاد نموده است.

فعل خطا: وجود آزادی استفاده در چنین فضاهایی درگیر بایدها و نبایدهایی پذیرفته شده از سوی تمامی استفاده‌کنندگان فضا است. (B1-4) تعاریفی که عدول از آنان فعلی خطاست و در چنین فضاهایی نکوهیده بوده و جایز نیست (B1-7).

رفتار پذیرفته شده: باید توجه نمود که رفتار صالح در چنین فضاهایی چه از سوی افراد دیگر و چه از سوی بعد معنوی فضا دارای ارزش بوده و ترویج شده است. (B1-5) چه اینکه در راستای رفتار ارزشمند در فضا است که فرد برای خویش انتظار اجابت و خیر و خوبی را در زندگی خویش داشته است. از سویی دیگر وی ایمان دارد که چنین رفتارهایی برای وی در چنین فضاهایی یک ارزش است. (B2-8)

پذیرش حریم خصوصی: در چنین فضاهایی فرد برای خویش یک هاله خصوصی متصور است که در آن حرف دل را بازگو کند. جایی که هیچ کس نشنود و آنکه شنود خود محرم است. (B12) (B3-15). از سویی دیگر این فضا و رفتار حادث شده در آن خود برای حل مشکلات فردی و جمعی راه حل و کلید است (B3-2)



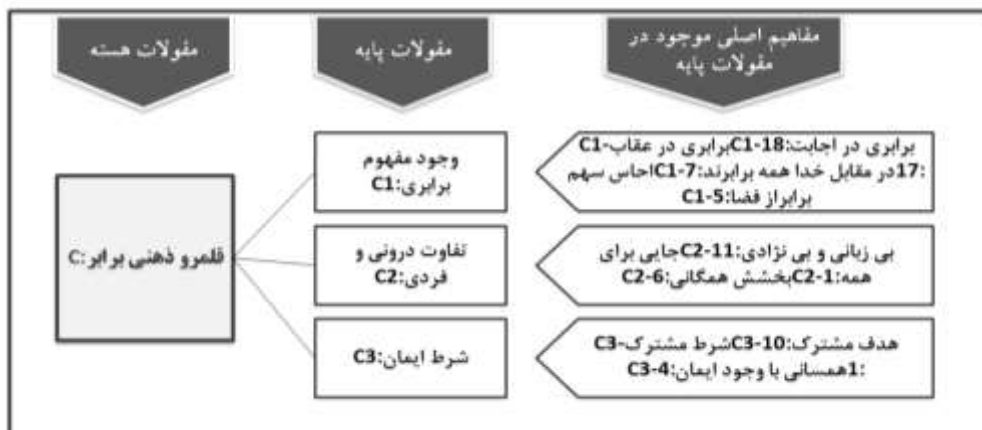
شکل ۴. محرمیت فضا

تعریف موثر بسیار ریشه‌ای دیگر در بطن حضور در چنین فضاهایی قلمرو ذهنی مستتر در فضا است. تعریفی که فضا را در یک دوگانگی فردی و جمعی حل نموده است.

وجود مفهوم برابری: مفهوم برابری در بطن تعاریف فضا وجود داشته است. اینکه هر فردی با هر پیشینه و گذشته‌ای اینجا بدون در نظرگیری رنگ و نژاد و ... از سهمی برابر از پذیرش و اجابت برخوردار است. همچنین هر فردی با توجه به عمل خویش از سطحی برابر از عقاب برخوردار خواهد شد (C1-17)(C1-18). از سویی دیگر همه افراد حاضر در فضا جدای نفس و نژاد خویش به فضا دعوتی برابر داشته‌اند. چه اینکه این فضا عمومی‌ترین فضای جهان بوده است (C1-5) (C1-7).

تفاوت درونی و فردی: ادراک تفاوت در چنین فضاهایی در درون افراد باقی مانده است. در برون همه جز سیر و سلوک و مناسک فضا هستند (C2-11). نگاه دیگرگون موجود در مجموعه که به صورت جمعی بدنبال هدفی سعادت‌مند جمعی هستند در کلیات رفتاری فضا تغییر ایجاد نموده است. اینکه فرد در چنین فضاهایی جدای فعل زبان و نژاد خویش بدنبال تعاریف متعالی‌تری خواهند بود (C2-1) (C2-6).

شرط ایمان: ایمان و انتخاب حضور در چنین فضاها و زمان‌هایی کلید سهم برابر از معانی موجود در فضا است (C3-4). باید توجه نمود که شرط ایمان پذیرفته شده توسط استفاده‌کنندگان فضا هدف مشترکی برای حضور در فضا ایجاد نموده است. با چنین شرط مشترکی افراد با توجه به کنه ایمان خویش عضوی از تعاریف فضا خواهند بود (C3-1) (C3-10).



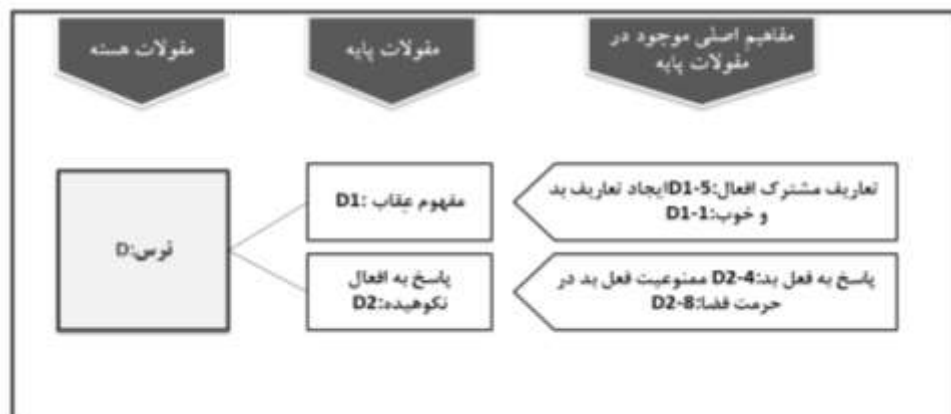
شکل ۵. قلمرو ذهنی برابر

شرایط پیامدی اثر گذار بر حضور بانوان در فضا

با توجه به شرایط پایه ای ادراکی موجود در چنین فضاهایی بسیاری از اتفاقات رفتاری فضا را میتوان در بازه های ترس و تشویق مستتر در ادراک فردی در چنین فضاهایی مورد بررسی قرار داد.

مفهوم عقاب: وجود تعاریف خوب و بد در ادراک ایمانی استفاده کنندگان فضا، به حضور در مجموعه ادراکات اخلاق مدارای داده است. تعاریفی که در چگونگی رفتار استفاده کنندگان فضا موثر بوده و هست (D1-5) (D1-1).

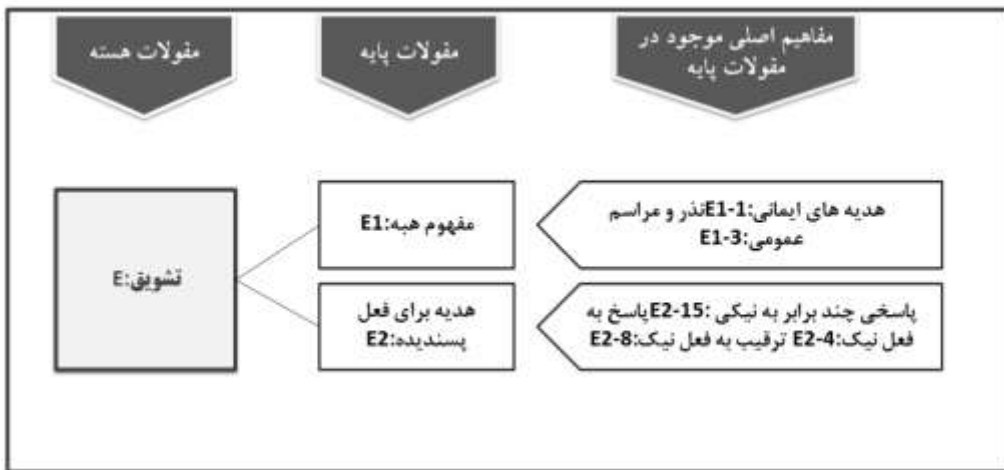
پاسخ به افعال نکوهیده: از سویی دیگر باید توجه نمود که استفاده کنندگان فضا با توجه به شرط ایمان پذیرفته شده فعل بد را نادرست میدانند. اما باید توجه نمود که با توجه به بار معنایی و آیینی چنین فضاهایی ادراک این مفهوم ممنوعیت و قبح و زشتی در عمل فردی و جمعی نادرست، در نظر افراد چندین برابر می باشد (D2-4) (D2-8).



شکل ۶. ترس

مفهوم هبه: بسیاری از آرایه های مورد استفاده در چنین فضاهایی با مفهوم هدیه عجین شده اند. چه اینکه بخشش و طلب آن در چنین فضاهایی با انجام افعالی نیکو و در مسیر افعال آیینی موجود در مجموعه شکل و صورت می گیرد. از سویی دیگر فرد استفاده کننده در فضا نیز سعی دارد جهت افزایش تقرب خویش با رفتار و اعمال خویش هدیه ای تقدیم لایه های آیینی و معنایی فضا نماید (E1-1) (E1-3).

هدیه برای افعال پسندیده: از سویی دیگر فضا همچنان که در متن کیفیات رفتاری و انتظارات خویش پاسخی است برای افعال نیک و افعال نیک را برشمرده و پاسخی در خور را برای آن مژده می دهد (E2-4) (E2-15). چنین نشر و ترویج برای افعال نیکو به فضا کمک کرده تا افراد با تعاریفی ریشه دار تمایل به انجام فعل نیکو در چنین فضاهایی داشته باند. چه اینکه این افعال نیکو از طرف ابعاد معنوی مجموعه و از سویی دیگر افراد موجود در فضا ستایش خواهد شد (E2-8).



شکل ۷. تشویق

کنش ها و راهبردهای اثر گذار بر حضور بانوان در فضا

باید توجه نمود که سیر معنایی و آموزش محور موجود در فضا های مذهبی مجموعه ای از کنشها و واکنشها را در بطن ارتباط رفتاری- اجتماعی استفاده کنندگان فضا ایجاد نموده است. مواردی که مقولاتی چون تعیین شکل زندگی، تعریف خوبی و بدی، تکرار رفتار فضا، تاکید بر افعال را درگیر نموده است.

تعیین شکل زندگی: فضاهای مذهبی با توجه به کیفیات رفتاری و بصری خود مفاهیم والای رفتاری و انسانی را به تکرار آموزش داده است. چنین کنشی به تدریج به ایجاد الگوهای رفتاری و ادراکی در چنین فضاهایی انجامیده است. (F1-1) (F1-2). از سویی دیگر در پی همین الگوهای آموزشی، اولویت رفتاری بر اساس کارهای خیر و انجام اصلاحات فردی و جمعی گوشزد شده است (F1-4)

خوب و بد: باید توجه داشت که بعد معنایی و آموزشی چنین فضاهایی پس زمینه های رفتاری فضا را شکل داده اند. اینکه مهمترین آموزش های ساختاری در روابط فردی و جمعی در چنین مناسک و فضاهایی به تواتر آموزش داده می شود فی الواقع کلیات رفتاری فضا را ساماندهی نموده است. (F2-3) (F2-9)

تکرار رفتار فضا: چنین فضاهایی دارای آداب و مناسک تکرار شونده و معنا دار در زمانهای متفاوت هستند. چنین تعریفی فضا را به ظرفی جهت اتفاقات معنادار جمعی و فردی تبدیل نموده است (F3-3) (F3-12). از سویی دیگر در چنین تواترهایی، رفتارهایی چون بخشش و احسان و بسیار تعریف و تحسین شده اند. چنین تعریفی بعد نمادین فضا را ارتقا بخشیده است. (F3-5)

تاکید بر افعال: باید به این نکته توجه نمود که در چنین فضاهایی بر حضور در زمان و مکان خاص و انجام رفتاری خاص تاکید شده است. چنین تاکیدی که در پی خود موجبات موهبت خواهد بود تعاریفی فرا انسانی را در ابعاد فردی و جمعی برای استفاده کنندگان فضا آفریده است. (F4-2) (F4-10)



شکل ۸. آموزش

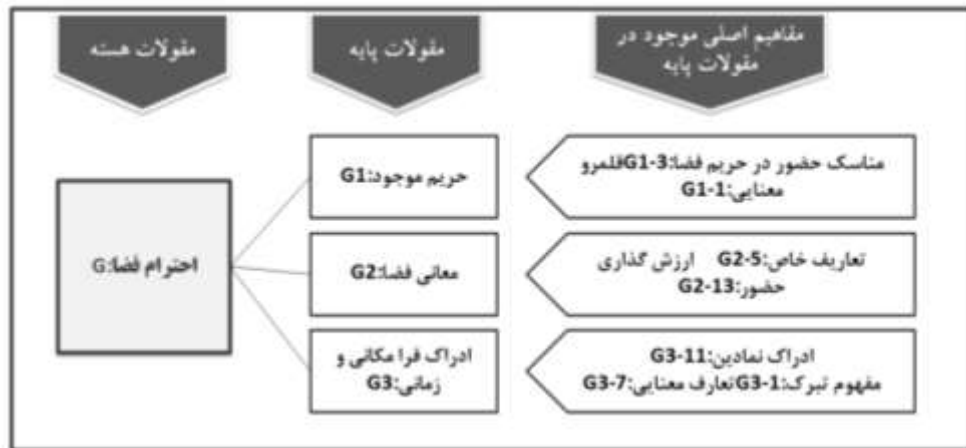
پیمادهای تعاریف مجموعه بر رفتار و حضور بانوان در فضا

با توجه کیفیات معنایی موجود در فضا تغییرات بنیادی و رفتاری در چگونگی استفاده از فضا ایجاد شده است که مقولاتی چون احترام و اطمینان به فضا را می توان ذکر نمود.

حریم موجود: با وجود معانی آموزش داده شده در چنین فضاهایی و با توجه به بعد آیینی آن افراد در رفتار ذهنی و عملی خویش در حریم ذهنی ایجاد شده برای فضا رفتارهای خاصی را بروز می دهند. چنین قلمروی ابعاد رفتاری متأثر از فضا را در بازه گسترده تری اجرایی نموده است (G1-1) (G1-3).

معانی فضا: فضا با توجه به معانی خویش به تدریج تعاریف منحصر بفردی یافته است. معانی خاصی که برای کیفیات متفاوت در فضا ارزش گذارندهای متفاوتی را تعریف نموده است. بدین ترتیب فضا فی نفسه شخص را به سمت کمال خواسته شده در مضامین آموزش محور خویش سوق میدهد تا فرد بتواند در بازه های ارزش گذاری شده فضا جای گیرد (G2-5) (G2-13).

ادراک فرا مکانی و فرا زمانی: فضا در طول رشد معنایی خویش به یک تعریف نمادین رسیده است. نمادهایی ذهنی، آیینی و رفتاری. بدین جهت حضور در خود فضا تبدیل به یک سلوک گشته است (G3-11). وجود تعاریف معنایی ستبر در فضا در کنار تواتر و تاکیدات معنایی جمعی در آن توانسته فضا را به یک ظرف رفتاری برای رفتارهای جمعی هدفمند تبدیل نماید (G3-1) (G3-7).

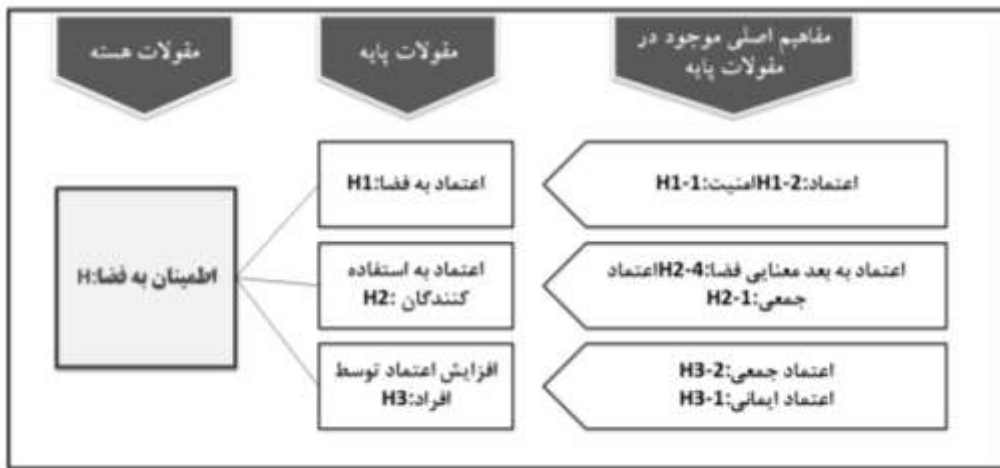


شکل ۹. احترام فضا

اعتماد به فضا: فضا با توجه به بسترهای معنایی و آموزشی خویش در یازه های فرا جنسیتی و سنی، فضایی امنیت محور را شکل داده است. چه اینکه تمامی افراد حاضر در آن به واسطه پذیرش تعاریف و معانی فضا با رفتار خویش بر بعد امنیتی فضا خواهند افزود (H1-1) (H1-2).

اعتماد به استفاده کنندگان فضا: نکته بسیار حائز اهمیت در چنین فضاهایی این است که استفاده کنندگان فضا از خلوص رفتاری موجود در افعال جمعی فضا مطمئن هستند. افراد به واسطه اینکه رفتار خویش را در فضا اصلاح می نمایند به رفتار اصلاح شده دیگر افراد نیز اعتماد متقابل دارند. اعتمادی که با تاکیدات آموزش محور فضا در استفاده کنندگان آن رسوخ کرده و نمود بیرونی و ماندگاری یافته است (H2-1) (H2-4).

افزایش اعتماد: روند تکرار شونده آموزه های اخلاقی در کنار تکرار رفتارهای جمعی سبب شده است تا شمار گسترده ای از افراد در رده های سنی مختلف با معانی چنین فضاهایی آشنایی یابند. چنین ادراک نمادین و پر تواتری سبب حضور فضا و معانی آن در خاطره نسل های متمادی شده است. چنین برخوردی بستری ستبر از اعتماد جمعی و اعتماد معنایی را برای فضا نهادینه کرده است (H3-1) (H3-2).



شکل ۱۰. اعتماد فضا

جدول ۴. مفاهیم و مقوله‌های مستخرج از داده‌های کیفی مطالعه براساس روش نظریه زمینه‌ای

مفاهیم پایه	مقولات هسته	توضیحات	نوع مقوله	مقوله هسته
دیده شدن وجود قدرت ناظر قدرت پنهان فضا هدف فضا	ناظر کل	مفهوم وجود معنایی نظارت کلان و دیده شدن افعال فرد در چگونگی برخورد وی با فضا تاثیر مستقیم داشته است. اینکه فرد در چنین فضاهایی احساس بیشتری نسبت به مفهوم عالم محضر خداست را خواهد داشت. احساس نزدیکی آن دانای کل و نظارت بر اعمال در چگونگی های رفتار فضا بسیار موثر و تعیین کننده بوده و هست.	شرایطی	مقوله هسته
فعل خطا رفتار پذیرفته شده فضا پذیرش حریم افراد	محریمیت فضا	احساس محرمیت موجود در فضا بر ساخته از ادراک استفاده کنندگان فضا و شکل گرفته در لایه های آموزش محور قرار داشته است. اینکه بر چه و چگونه رفتارهایی در فضا تاکید شده است، پهنه هایی از تعریف محرمیت فضا را برای افراد و رفتار فضا بازتولید نموده است.	شرایطی	مقوله هسته
وجود مفهوم برابری تفاوت درونی و فردی شرط ایمان	قلمرو ذهنی برابر	ایمان و انتخاب حضور در چنین فضاها و زمان هایی کلید سهم برابر از معانی موجود در فضا است. تفاوت آنچه فرد از چنین فضاهایی نصیب می برد در درون وی و در رفتارهای فردی وی است. چنین فضاهایی برای تمامی افراد استفاده کننده یک قلمرو ذهنی برابر ایجاد می نماید. محضر خدا برای همه هست.	شرایطی	مقوله هسته
مفهوم عقاب پاسخ به افعال نکوئیده	ترس	وجود خود کنترل درونی نهاده شده در معانی موجود در فضا بسیاری از اعمالی را که در بسیاری از فضاها رخ می دهد را در این فضاها حذف و یا تعدیل می نماید.	تعاملی	مقوله هسته
مفهوم هبه هدیه برای افعال پسندیده	تشویق	فرد استفاده کننده می داند که رفتار مناسب وی در همه جا و از همه بیشتر در چنین فضاهایی، دیده شده و پاسخ داده خواهد شد. چنین تعریف عمیقی یک ادراک چند بعدی ماندگار را جهت تکرار رفتار مناسب ایجاد خواهد نمود.	تعاملی	مقوله هسته
تعیین شکل زندگی خوب و بد تکرار رفتار فضا تاکید بر افعال	آموزش	عمومیت نکوئیده بودن رفتار نامناسب فضا سبب می شود تا با تکرار رفتار صحیح، حذف و تغییر رفتار نادرست در فضا به ایجاد یک فرایند آموزش محور منتهی می شود. رفتاری که در گروههای سنی و جنسی مختلف تکرار شده و در طول زمان قدرتمندتر می شود.	پدیده	مقوله هسته
حریم موجود معانی فضا ادراک فرا مکانی و زمانی	احترام فضا	فضاهای مذهبی با توجه به بار معنایی عمیق و گسترده خود و با توجه به احساس دیده شدن؛ فضاهایی با مفهوم درونی احترام برای فرد استفاده کننده هستند. چنین معنایی در زمانهایی خاص قدرت تغییر رفتار در فضاهای عادی و غیر مذهبی شهری و فرا شهری را خواهد داشت.	پیامدی	مقوله هسته
اعتماد به فضا اعتماد به استفاده کنندگان افزایش اعتماد توسط افراد	اطمینان به فضا	فضاهای مذهبی در ذهن استفاده کنندگان خود فضاهایی پناه دهنده، امن و مطمئن هستند. فضاهایی که استفاده کنندگان آن به قدرتهای ایمانی موجود در آن تکیه داشته اند. از سویی دیگر استفاده کنندگان فضا به رفتارهای امن فضا توسط دیگر افراد حاضر در آن فضا اعتماد و اطمینان داشته اند. اینکه انتخاب حضور در چنین فضایی در قدم اول با قبول و صیانت از رفتار مناسب فضا همراه است.	پیامدی	مقوله هسته

منبع: مصاحبه‌های صورت گرفته توسط نگارندگان

نتیجه گیری

در تحقیق پیش رو با استفاده از روش تحقیق کیفی کیفیات موثر بر حضور پذیری بانوان در فضاهای مذهبی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت. در این مطالعه به درک و تفاهم تعاریف معنایی استفاده کنندگان بانو، از حضور در فضاهای مذهبی پرداخته شد.

تجربه حضور بانوان در فضاهای شهری مذهبی (بقاع متبرکه) درگیر مباحث و معیارهایی چون ناظر کل، تشویق، ترس، آموزش، اطمینان به فضا، احترام به فضا و محرمیت فضا در چنین فضاهایی است (شکل ۱۱). معیارهایی که در دیگر فضاهای شهری کیفیات و چگونگی های متفاوتی را دارا هستند. تعاریفی که چگونگی های دگرگون و متفاوت آن در بسیاری از فضاهای شهری موجود این فضاها را تبدیل به فضایی تک محوری نموده و از قابلیت های اجتماعی و تعاملات موثر آن کاسته است. چنین فضایی با توجه به تمامی تعاملات موجود در آن، فضا را تک مالکیتی کرده و بخش گسترده ای از گوناگونی موجود در تعاملات اجتماعی را حذف نموده است. تک محوری شدن فضا دامنه حضور معنا و هویت موجود در فضای شهری را محدود نموده است. فضاهایی که هم فضای شهری اند و هم فضای شهری نیستند. باید توجه نمود که مهمترین هدف یک فضای شهری درگیر شدن با فعالیت های عمومی و رفتارهای اجتماعی است. از این رو به سادگی می توان توصیفی موجز و کوتاه از فرهنگ و رفتارهای اجتماعی یک جامعه را در برخوردهای آنان در فضای عمومی شناخت. عرصه های عمومی مهمترین بخش شهرها و محیط های شهری هستند. در چنین عرصه هایی بیشترین ارتباط و تعامل بین انسان ها رخ می دهد. عرصه ها و فضاهای عمومی، مکان هایی برای ایجاد روابط متقابل، تبادل و برخوردهای اجتماعی هستند. چنین گوناگونی در حضور خالق، لایه های تعاریف ادراکی فردی و اجتماعی را ایجاد خواهد نمود. در این زمینه توجه به چگونگی حضور زنان در فضاهای شهری به دلایلی چون تعاریف حمایتی و مادرانه در خانواده در جهت ایجاد یک بار معنایی امن ذهنی حائز اهمیت است. با توجه به کمیات و کیفیات موجود در فضاهای شهری امروز کشور، لازم خواهد بود با شناخت و بهره گیری از مناسبات موثر موجود در فضاهایی چون فضاها و زمانهای حضورپذیر مذهبی بتوان کیفیات کالبدی، عملکردی و معنایی ارزشمندی را در فضاهای شهری بازآفرینی نمود تا بشود شاهد حضور موثر عمومی و اجتماعی در فضاهای شهری بود. در این پژوهش، مقولاتی چون ناظر کل، احترام به فضا، قلمرو ذهنی برابر، ترس و تشویق و آموزش محور بودن فضا و متقابلاً اطمینان ذهنی و رفتاری فضا توسط مصاحبه شوندهگان به تواتر تاکید و بیان شد. این مقولات در ذهن زنان و مردان استفاده کننده از فضا سطحی از سهم فضا را ایجاد نموده است که یک ادراک ذهنی یا قلمرو ذهنی برابر را برای استفاده ایشان در چنین فضاها و زمانهایی به وجود آورده است.

مقولات یاد شده در فضاهای شهری، قابلیت تعمیم و بازنمایی در موارد زیر دارد:

ناظر کل: در مولفه های چون زنان ناظر، مدیران بانو و حضور خانواده و... قابلیت بازنمایی دارد.

قلمرو ذهنی پنهان فضا: ایجاد ابعاد آموزشی و تبلیغاتی در مجموعه جهت تغییر قلمرو ذهنی استفاده کنندگان فضا، زنان و مردان را جهت حضور مناسب در فضا آماده خواهد نمود.

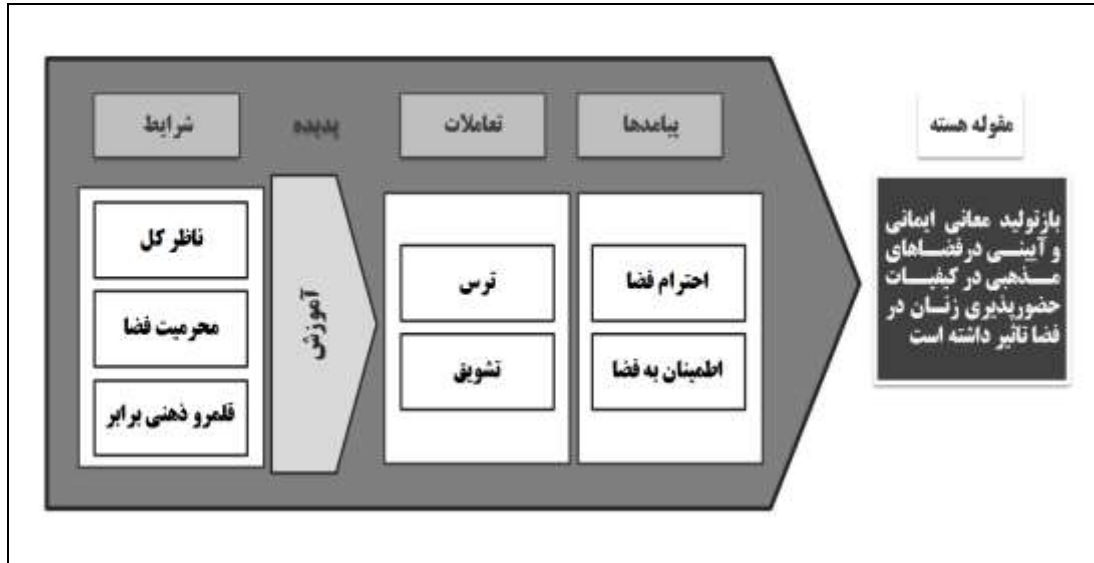
تشویق رفتارهای مناسب صورت گرفته در فضا: چنین نوع نگاه و مدیریتی بعد آموزش محوری قدرتمندی را بخصوص برای گروه های سنی پایینتر فضا خواهد داشت.

بعد آموزش محور فضا: فضای شهری لازم است تا بر رفتارهای مناسب فضا تاکید داشته باشد. نمونه ای از این گونه روند آموزش محور در فضاهای شهری را میتوان از تبلیغات محیطی فضا دریافت نمود. تاکید بر موفقیت های بانوان در سطح کشوری و جهانی خواهد توانست بخش موثری از تصاویر ذهنی رفتار فضا را تغییر دهد.

ترس از انجام خطا: استفاده از قوانین مدیریتی و کنترلی در برخورد با رفتارهای نامناسب و خشونت های پنهان موجود در فضا (این رفتار توان اصلاح تدریجی گروه های سنی بالاتر و بار آموزشی بالا برای گروه های سنی پایینتر را خواهد داشت)

امکان مشارکت در تغییر فضا: حضور زنان در تغییر و اصلاح فضا. بدین ترتیب کالبد و رفتار فضا اصلاح خواهد شد و نیازمندی های همه گروهها در آن حاضر خواهد بود.

این مقولات ذهنی و آموزش محور مستتر در فضا بسیار بر احساس آزادی و اختیار و ایجاد امنیت در فضا تأثیری مستقیم و منحصر به فرد داشته است. فرد با حضور در چنین فضاهایی به پذیرش بستر فرهنگی فضا پرداخته است و پس از حضور در این فضا با داشتن معنای آن پذیرش به سهمی برابر از اختیارات و امنیت فضا دست یافته است. بدین ترتیب مفاهیمی چون آزادی و امنیت با توجه به قلمرو ذهنی موجود در فضا برای استفاده کنندگان ایجاد شده است.



شکل ۱۱. نظریه نهایی تحقیق

تقدیر و تشکر

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری رشته شهرسازی بوده که در دانشگاه تربیت مدرس تهران از آن دفاع شده است.

منابع

- بحرینی، حسین. (۱۳۸۶). *فرآیند طراحی شهری*. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران
- پورمحمدی و دیگران. (۱۳۹۴). بررسی میزان انطباق فضاهای عمومی شهری با نیازهای زنان شهر ارومیه. *مجله زن در توسعه و سیاست*، ۱۳(۱)، ۲۳-۴۰.
- حاجی احمدی همدانی، آذین؛ ماجدی، حمید و جهانشاهلو، لعل. (۱۳۹۴). بررسی معیارهای تأثیرگذار بر افزایش میزان فعالیت زنان در فضاهای شهری؛ مطالعه موردی: محله پونک شهر تهران. *مجله مطالعات شهری*، ۴(۱۴)، ۴۷-۶۰.
- دنیوی‌راد، مریم و خواجوی، محبوبه. (۱۳۹۳). سنجش عوامل موثر بر حضور پذیری زنان در فضای شهری (پارک رسالت مشهد)؛ ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، ۲۱ آبان ۱۳۹۳، مشهد.
- رضازاده، راضیه و محمدی، مریم. (۱۳۸۸). بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری. *نشریه هنرهای زیبا*، ۳۸، ۱۱۴-۱۰۵.
- رودگر، محمدجواد. (۱۳۸۸). عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۲(۴۶)، ۸۰-۴۹.
- صداقتی، عاطفه و سیده شبناز اتحاد. (۱۳۹۳). بررسی حضور زنان در فضاهای شهری با تأکید بر شهرهای اسلامی، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، مشهد، شورای اسلامی شهر مشهد.
- علیخواه، فردین و شفیعی، معصومه. (۱۳۹۳). *فضا و بازتولید قدرت، مطالعه‌ای درباره تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌های تهران*. تحقیقات فرهنگی ایران.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۴). زانه شدن فضای شهری در ایران امروز، با تکیه بر فضای کلان شهر تهران. *پژوهش نامه زنان*، ۲، ۱۳۲-۱۰۷.
- فاضلی، نعمت‌الله و ضیاجی، محدثه. (۱۳۹۳). شهر دوستدار زن شناسایی معیارهای شهر دوستدار زن از نظر زنان متعلق به پایگاهها و تپه‌های مختلف اجتماعی تهران. *نشریه جامعه پژوهی فرهنگی*، ۳(۱۳)، ۹۳-۵۹.
- لیتکوهی، ساناز و نجفی، نسیم. (۱۳۹۳). مناسب سازی فضاهای عمومی برای زنان (مطالعه موردی: پارک هنرمندان). *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۹(۳۳)، ۶۲-۳۷.
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۰). *فراروش بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری*. نشر جامعه شناسان.
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش شناسی کیفی)*. نشر جامعه شناسان.
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*. جلد دوم (مراحل و رویه‌های عملی در روش شناسی کیفی)، نشر جامعه شناسان.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۲). *نظام حقوقی زن در اسلام*. چاپ اول، تهران: صدرا.

- Bagheri, N. (2013). Modernizing the public space: gender identities, multiple maternities , and space politics in Tehran , Presented to the Faculty of the University of Missouri-Kansas City in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree doctor of philosophy.
- Beebejaun, Y. (2016). Gender, urban space, and the right to everyday life. *Journal of Urban Affairs*, 39 (3) 323-334.
- Begum, J. (2001). Women, environment and sustainable development, making the links. *Women and his environment*, 11-27.
- Bryman, A. (2007) Barriers to integrating Quantitative and Qualitative Research. *Journal of Mixed methods Research*, 1, 8-22
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques to developing grounded theory (3rd Ed.)*. Los Angeles, CA: Sage.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). Basics of qualitative research: Techniques to developing grounded theory (3rd Ed.). Los Angeles, CA: Sage
- Creswell, J.W.(2003). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approach Second Edition*. Thousand Oaks, CA: sage publication
- Fenster, Tovi .(2005). The right to the gendered city: Different formations of belonging in everyday life. *Journal of Gender Studies* , 14(3), 217-231.
- Franck, K. (2002). Women and Environment' in Bechtel, R. & Churchman, A. (eds.) *Handbook of Environmental Psychology*. John Wiley & sons, New York.
- Glaser, Barney G., & Strauss, Anselm L. (1967). *The discovery of grounded theory: strategies for qualitative research*. Chicago: Aldine
- Hayden, D. (2003). *What Would a Non-sexist City be like?* Speculations on Housing, Urban
- Pasaogullari, N., & Doratli, N. (2004). Measuring Accessibility and Utilization of Public Spaces in Famagusta. *Cities*, 21(3), 225-232.
- Patton, M. (2002). *Qualitative research & evaluation methods*. London: sage publication Ltd
- Strauss, A., & J. Corbin (1998). *Basics of Qualitative research: Techniques and Procedures for Developing Ground theory*. second Edition, Thousand Oask, CA: Sage Publication Ltd.
- Vaious, D., & Lykogianni, R. (2006). Women, neighbourhoods and everyday life. *Urban Studies*, 43, 731–743.
- Wekerle, Gerda R. (2002). *Gendered Spaces of a Pluralistic Citizenship*, in ' *Democracy, Citizenship and the Global City*, Engin F.Isin,171. Rutledge, London.
- Whitzman, C., Andrew, C., & Viswanath, K. (2014). Partnerships for women's safety in the city: "Four legs for a good table. *Environment and Urbanization*, 26, 443–456.
- Whyte, William H., (1980). *The Social Life of Small Urban Spaces*. Conservation Foundation, Washington D.C.

How to cite this article:

Pourhosein Rrosha1, H., Saremi, H., & Pourjafar, M. R. (2022). Hinge Spaces, Another Look at the Gendered Behaviors of Space with the Iranian-Islamic Approach)Case Study: Urban Space around the Holy Shrines). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(3), 613-627.

ارجا به این مقاله:

پورحسین روشن، حمید؛ صارمی، حمیدرضا و پورجعفر، محمد رضا (۱۴۰۱). فضاهای مفصل، نگاه‌های دیگرگون به رفتارهای جنسیتی فضا با رویکرد ایرانی-اسلامی (نمونه موردی: فضای شهری پیرامون بقاع متبرکه). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۷(۲)، ۶۲۷-۶۱۳.

فصلنامه علمی

مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی